

نحوه تشکیل اتحادیه صغیر خوانین جنوب در سال ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۶ م با تأکید بر نقش

فتح‌اله خان حیات‌داودی (بر اساس اسناد نویافته ساواک)

حسین عبدالله پور^۱ / حبیب‌اله سعیدی‌نیا^۲ / علی رسولی^۳

چکیده

دهه ۱۳۲۰ ش از جمله ادوار مهم و پرتلاطم تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. این مقطع زمانی مصادف با تحولات و رویدادهای پرمخاطره‌ای در سطح بین‌المللی و در داخل کشور بوده است. یکی از رخدادهای شایان توجه این دوره شکل‌گیری قیام مسلحانه چندین اتحادیه تجزیه‌طلب، فرقه‌ای و عشایری در نقاطی از کشور بوده که برای مدتی توانستند کنترل سیاسی و امنیتی چندین استان بزرگ را به دست گیرند، بنابراین بررسی ماهیت، اهداف و بازیگران این حرکت‌های پرچالش می‌تواند ابعاد ناشناخته دیگری از تاریخ معاصر ایران را به خوبی روشن سازد. بر همین مبنا، مسئله پژوهش حاضر بررسی و مطالعه اهداف و اقدامات اتحادیه صغیر خوانین جنوب به رهبری فتح‌اله خان حیات‌داودی در سال ۱۳۲۵ ش است.

پرسش این است که زمینه‌ها، علل، عوامل و چرایی شکل‌گیری این اتحادیه چه بوده و به چه سرانجامی رسید؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که تشکیل اتحادیه و حرکت مسلحانه آن یک طرح ملی و برنامه‌ریزی شده توسط دولت مرکزی بوده که به منظور مقابله با اقدامات تجزیه‌طلبانه حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان در شمال غرب کشور اجرایی می‌شد. پس از سرکوب فرقه مذکور و آزادسازی مناطق اشغالی، سران اتحادیه در تعامل با دولت قوام‌السلطنه و با تحقق برخی از

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
mrhossein@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسول)

saeedinia@pgu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. rasooli@pgu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ نوع مقاله: پژوهشی

خواسته‌هایشان با عقب‌نشینی و تحویل سلاح‌های غنیمتی به ارتش، مورد عفو عمومی قرار گرفتند. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از اسناد آرشیوی ساواک به رشته تحریر درآمده است.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، خوانین حیات‌داودی، نهضت جنوب، فرقه دموکرات آذربایجان، ساواک.

An analysis of the formation of the Minor Union of Southern Khans in 1325/1946 CE, with the emphasis on the role of Fath Allah Khan Hayat Davoudi. (Based on newly found documents of SAVAK)

Hossein Abdollahpoor^۱ / Habibollah Saeedinia^۲ / Ali Rasooli^۳

Abstract

The period of 1320s is considered as an important era of Iran's contemporary history with lots of turbulence. Plentiful number of remarkable national and international events distinguishes this time section. During this decade some parts of the country witnessed the formation and evolution of several separatist, sectarian and tribal armed risings and unions. Consequently these groups could successfully take a few vast territories under their control for a while. Therefore investigating the entity, objectives and agents of the mentioned challenging movements can light up some unknown angles of Iran's contemporary history and especially the era of Mohammad Reza Shah. Accordingly this research tries to find out the intentions and activities of minor union of southern landlords led by Fath Allah Khan Hayat Davoudi in 1325. Finding out the reasons, factors and backgrounds of the formation of the union makes up the main question of the survey. Study findings which are achieved by the newly found documents approve that this armed rising was not a real nationalist movement and basically was designed by the central government in order to confront the separatist manoeuvres by the Toudeh Party and Democrat Communion supported by Soviet Union in north west of country. When the other sects were suppressed and the occupied territories were evacuated, the southern unions in cooperation with Qavam's cabinet, retreated and after delivering the weapons, the lords were forgiven. This research follows descriptive_ analytic method and library resources and archived documents of SAVAK were applied to accomplish the survey.

-
1. PhD History of Islamic Iran, Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.
 2. Associate Professor of the Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. (Corresponding Author)
 3. Assistant Professor of the Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.

Keywords: The Persia Gulf, Khans Hayat Davoudi, southern movement, Democrat Communion, SAVAK.

مقدمه

پهنه آبی خلیج فارس، کرانه‌ها و پس کرانه‌های آن در طول تاریخ- از عهد باستان تا دوران معاصر- همواره شاهد تحولات شگرفی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بوده است. عمده این تغییر و تحولات رخ داده، عموماً حاصل رقابت‌ها و فعالیت‌های ساکنان بومی و ساحلی آن، سیاست‌های دولت‌های مرکزی، نزاع‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و گاهی هم ناشی از بحران‌های طبیعی بوده که در نهایت همه این مسائل منجر به بهم خوردن تعادل منطقه و اوضاع ژئوپلیتیک این محدوده جغرافیایی می‌شده است. به عنوان مثال در دو جنگ جهانی اول و دوم که خلیج فارس یکی از محیط‌های جانبی این منازعه‌های ویرانگر مابین قدرت‌های درگیر در این جنگ‌ها بوده، کشور ایران به عنوان یکی از مناطق ساحلی و هم‌جوار با این آبراه در تقاطع درگیری‌ها قرار داشته و در پایان هر دو جنگ، دگرگونی‌های عمیقی در محیط داخلی و پیرامونی آن به وجود آمده است.

در پایان منازعه اول، انگلیس به‌عنوان یکی از قدرت‌های پیروز در جنگ که دارای منافع فراوانی درزمینه انرژی در ایران بوده، درصدد چیره شدن بر تمامی امور دولت ایران در پوشش و قالب قرارداد ۱۹۱۹ م برآمد که به‌علت ناکامی در عملیاتی کردن مفاد این قرارداد، مترصد تغییر حکومت شد و با کودتای سال ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م اقدام به برانداختن دودمان قاجار و روی کارآوردن حکومت پهلوی کرد. حدود بیست سال بعد و در خلال جنگ جهانی دوم نیز مجدداً شرایط و وضعیت مشابهی برای ایران رخ داد و این بار نیز دو قدرت پیروز در جنگ یعنی انگلیس و شوروی، به بهانه‌های مختلف درصدد سرنگونی و تغییر پادشاه در ایران از طریق فشار به رضاشاه جهت استعفاء از سلطنت و جایگزینی فرزند وی یعنی محمدرضا برآمدند.

به‌تبع این دو رخداد، در مناطق کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس هم تغییرات عمده‌ای رخ می‌دهد. در جنگ جهانی اول خوانین و حکومت‌های کوچک محلی مستقر در مناطق جنوبی کشور با تشکیل ائتلاف‌های متعددی دست به اقدامات مختلفی له یا علیه منافع قدرت‌های درگیر در جنگ در سطح خلیج فارس و مناطق ساحلی آن زدند و به‌دلیل ضعف شدید حکومت مرکزی از استقلال عمل فراوانی برخوردار بودند؛ اما پس از روی کارآمدن رضاشاه و عزم وی بر تمرکز قدرت در مرکزیت کشور، این خوانین و بزرگان به‌شدت سرکوب، تبعید شدند و کلیه اموال و املاک آنها مصادره گردید و برخی از سران و بزرگان آنها هم به طرز نامعلوم و مشکوکی حذف شدند. برعکس، پس از جنگ جهانی دوم و سقوط رضاشاه و تغییر در رأس سلطنت ایران به جهت فضای باز سیاسی ایجادشده افراد در تبعید مجدداً به محل‌های سابق خود بازگشتند و تمام سعی و مساعی خود را جهت بازپس‌گیری اموال و املاک از دست‌رفته‌شان به کار بستند که در برخی موارد منجر به نزاع‌های خونینی مابین خوانین و اهالی مناطق نیز شد.

به دلیل شرایط نامساعد و کاملاً بی ثبات امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و دخالت و ارتباط گیری دوباره برخی از قدرت های منطقه ای و فرماندهی های با این نیروهای گریز از مرکز تشکل ها، اتحادیه ها و ائتلاف های متعدد سیاسی، فرقه ای، ایلی و عشایری در اقصی نقاط به وجود آمد که برخی از آنها با اشغال مناطق مهمی از کشور، علم خودمختاری و تجزیه طلبی را بلند کرده و اوضاع مملکت را به شدت دچار بحران و آشوب کردند. در شمال غرب کشور فرقه دموکرات آذربایجان به پشتیبانی حزب توده و اتحاد جماهیر شوروی با اشغال آذربایجان و اعلام خودمختاری خواستار استقلال سیاسی می شود. در اصفهان و فارس خوانین بختیاری و قشقایی با اتحاد باهم در صدد تحقق حقوق ازدست رفته خود در دوره رضاشاه برمی آیند. در غرب و کرمانشاه جنبش غرب یا جنبش قبادیان با اتحاد مابین سران ایلات و عشایر آن سامان (کلهر، سنجایی و زنگنه) اعلام موجودیت می کند و در سطح بندرها و سواحل خلیج فارس «اتحادیه صغیر خوانین جنوب» به سرکردگی فتح اله خان حیات داودی اعلام موجودیت می کند.

بنابراین آنچه مشاهده می شود سرتاسر دهه بیست شمسی کشور ایران دچار تلاطم و بحران های متعددی بوده که ابتدای آن سقوط رضاشاه و تغییر پادشاه است و انتهای آن مصادف با ملی شدن صنعت نفت در ایران. یکی از رویدادهای مهم و بسیار حائز اهمیت سال های میانی این دهه پرماجرا تشکیل، اعلام موجودیت و اقدامات سیاسی و امنیتی همین اتحادیه ها و جنبش های سیاسی محلی است که به برخی از مهم ترین آنها اشاره شد. بنابراین مطالعه و پرداختن به این حرکت ها از نظر تاریخی و علمی بسیار شایان توجه و راهگشای بسیاری از مسائل و نقد و نظرهایی است که تاکنون در خصوص عناصر و گردانندگان این گونه جنبش ها صورت گرفته است. لذا برای رسیدن به این مهم، لاجرم می بایست به ماهیت، اهداف، بازیگران، حامیان، هدایت کنندگان و سرانجام کار این حرکت ها به صورت

دقیق، علمی و با تکیه به اسناد متقن و در نظر گرفتن کامل شرایط زمانی و مکانی آنها به بررسی و تحلیل منطقی پرداخت.

بر همین اساس، هدف این پژوهش پرداختن به ابعاد پنهان و ناگفته‌های یکی از بزرگ‌ترین حرکت‌های ائتلافی سران و ضابطین محلی مستقر در مناطق بندری و حاشیه‌ای خلیج فارس در سال ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۶ م است که به دلیل گستردگی آن و وقوع چندین شورش و جنبش هم‌زمان دیگر در فارس و مناطق اطراف آن در بین اهالی جنوب، این سال به «سال نهضتی» معروف گشته است. بنابراین به جای پرداختن به کیفیت حادثه و رویداد رخ داده، مسئله اصلی ما بررسی علل، عوامل و چرایی تشکیل این اتحادیه و وقوع این حادثه و هم‌زمانی و هم‌راستایی آن با دیگر خیزش‌های ایلی و قبیله‌ای در سطح جنوب کشور بر اساس اسناد جدید به دست آمده است. پرسش مطرح شده این است که علل، عوامل و نحوه شکل‌گیری این ائتلاف بزرگ و کم‌نظیر در بین خوانین و ضابطین جنوب در آن مقطع زمانی چه بوده و به چه سرانجامی می‌رسد؟ بررسی‌ها حاکی از آن است که این حادثه پرماجرا و رادیکال یک طرح پنهان و ملی و از پیش طراحی شده و هماهنگ با دولت قوام‌السلطنه در راستای مقابله با فزون‌خواهی‌های حزب توده، دخالت‌های بی‌حد و حصر اتحاد جماهیر شوروی در امور داخلی کشور و مقابله با تجزیه‌طلبی فرقه دموکرات آذربایجان بوده که در نهایت با آزادسازی مناطق شمالی و خروج شوروی از کشور و حذف عناصر حزب توده از مصادر امور، با خلع سلاح خوانین و عقب‌نشینی آنها از پادگان‌ها و ادارات دولتی و تأمین برخی از خواسته‌های عشایر جنوب- که یکی از انگیزه‌های اصلی آنها برای همراهی با این ماجرا بوده- و صدور فرمان عفو عمومی توسط محمدرضا شاه این غائله پس از چند ماه و در همان سال به پایان رسید.

تاکنون درخصوص پیشینه این پژوهش هیچ‌گونه مطالعه مستقلی مختص اتحادیه صغیر خوانین جنوب به رهبری فتح‌اله خان حیات‌داودی انجام نشده، لیکن در همان سال‌های پایانی دهه بیست شمسی اسمعیل نوری‌زاده بوشهری (۱۳۲۷) در کتابی موسوم به «اسرار نهضت جنوب» به شرح ماقوع کلی حرکت عشایر قشقایی و خوانین مستقر در مناطق ساحلی و اهداف ظاهری آنها پرداخته است. همچنین ایرج ذوقی (۱۳۶۸) در کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ و منصور نصیری طیبی (۱۳۸۱) در کتاب نهضت جنوب (فارس، قشقایی و غائله آذربایجان) به ابعاد مختلف این رخداد پرداخته‌اند که در ادامه همین نوشتار به آراء و نظرات آنها درخصوص این ماجرا به‌طور خلاصه اشاره خواهد شد. نکته حائز اهمیت در خصوص پیشینه این پژوهش آن است که در تمامی منابعی که به آنها اشاره گردیده هیچ‌کدام از آنها به‌طور مستقیم و یا حداقل به‌طور مستقل و یا مبسوط به نحوه تشکیل، اهداف و اقدامات تشکیل‌دهندگان اتحادیه صغیر خوانین جنوب به رهبری فتح‌اله خان حیات‌داودی در سطح کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس نپرداخته‌اند و آن را مورد مورد قرار نداده‌اند. لکن به‌صورت بسیار مختصر و کوتاه آن را در ذیل و هم‌راستا با شورش عشایر قشقایی در فارس دیده‌اند. یکی آن را حرکت خائنانۀ تجزیه‌طلبانه قلمداد کرده و دیگری آن را طرح مشترک با بیگانگان (انگلستان) به حساب آورده و در آخر هم نصیری طیبی آن را یک طرح مشترک بین انگلیس و قوام برای پایان اشغالگری فرقه دموکرات در آذربایجان دانسته و صرفاً به نقش برادران قشقایی در این غائله بسنده کرده است. لذا در تحقیق پیش رو برای نخستین بار و براساس اسناد به‌دست‌آمده از پرونده انفرادی فتح‌اله خان حیات‌داودی در ساواک که پس از دستگیری وی در سال ۱۳۳۷ ش از او درخصوص چگونگی، علل، عوامل و چرایی تشکیل این اتحادیه به‌طور مفصل مورد بازجویی و تحقیق قرار گرفته و ایشان به‌صراحت به پشت پرده موضوع اشاره می‌کند

مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که برخلاف منابع ذکر شده قبلی - که برمبنای قرائن و شواهد تاریخی و احتمالات به موضوع پرداخته‌اند - است.

۳. اوضاع کلی مناطق جنوبی و ساحلی کشور پس از سقوط رضاشاه پهلوی

پس از حوادث شهریورماه سال ۱۳۲۰ ش و استعفای رضاشاه از سلطنت ایران و تبعید وی به جزیره موریس (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۰۳)، به دلیل بی‌ثباتی امنیتی و فضای باز سیاسی حاکم بر کشور اکثر عناصر تبعیدی به محل سابق حکمرانی خود بازگشته و درصدد احیای حاکمیت ازدست‌رفته‌شان برآمدند (گارثوئیت، ۱۳۷۵: ۵۱). در کنار این موضوع و هرج‌ومرج گسترده در اقصی نقاط ایران به علت اشغال و حضور نظامی متفقین (انگلیس و شوروی) در مناطق شمالی و جنوبی و تعهد حکومت و دولت ایران جهت تضمین خطوط تدارکاتی جبهه متفقین از مسیر خلیج فارس و خاک ایران (سیف‌پور فاطمی، ۱۳۷۹: ۲۳۶) و انفعال شدید دولت مرکزی و نیروهای نظامی در مقابل هرج‌ومرج و بروز ناامنی‌های رخ داده ناشی از همین حضور اشغالگرایانه و جابه‌جایی در رأس قدرت و حکومت، برخی از مقامات محلی دولتی و نظامی با اتخاذ تدابیری مستقل از دولت‌های متزلزل مرکزی نسبت به تأمین امنیت مناطق تحت مسئولیت خود همت گماشتند (همان، ۱۴۰).

در استان هفتم (فارس و بنادر) یکی از تدابیر اتخاذ شده جهت برقراری نظم و امنیت توسط مسئولان دولتی و نظامی این استان در همان مقاطع زمانی مورد نظر تجهیز، تسلیح و دادن مأموریت رسمی به همین خوانین و ضابطین تازه از تبعید برگشته (همان، ۱۵۰) برای سامان بخشیدن به امور امنیتی و کنترل هرج‌ومرج‌های رخ داده و قلع و قمع اشرار در محل‌های سابق حکمرانی خود آنها بوده است (رضوی، ۱۴۰۲: ۶۰۸). این تدابیر محلی اگرچه در کوتاه مدت از برخی جهات نتایج نسبت خوبی برای استقرار و تأمین امنیت عمومی مناطق مذکور به ارمغان آورد اما از طرف دیگر فرصتی را برای خوانین فراهم کرد تا نسبت به

بازگرداندن اموال و املاک ازدست‌رفته خود از طریق ادارات دولتی محلی (سعیدی‌نیا/ عبدالله‌پور، ۱۴۰۰: ۸۶) اقدام کرده و با کوچک‌ترین بهانه‌ای نسبت به برخورد با کسانی که در دوران تبعید نسبت به رعایت حقوق اربابی آنها کم‌توجهی و یا اقدامات دیگری علیه آنها انجام داده بودند، تسویه حساب‌های خونینی را انجام دهند که همین امر خود مجدداً باعث شعله‌ور شدن نزاع‌ها و برهم‌خوردن اوضاع برخی از مناطق شد.

به‌عنوان مثال فتح‌اله خان حیات‌داودی ضابط بلوک حیات‌داود که پس از مرگ پدرش در فرودین ماه سال ۱۳۲۰ ش و پس از سپری شدن دوران کوتاه ضابطی برادر بزرگ‌ترش غلامحسین خان امورات ضابطی این منطقه مهم ساحلی را به دست گرفته بود (حمیدی، ۱۳۸۱: ۸۱) از جانب فرماندهی لشکر هفت فارس سرتیپ سیاه‌پوش با دریافت اسلحه و مهمات مأمور شد تا اوضاع و احوال امنیتی مناطق تحت نفوذ خود را در سطح سواحل خلیج فارس سامان دهد (رضوی، ۱۴۰۲: ۶۰۹). اگرچه اقدامات وی امنیت نسبی و عمومی منطقه مورد اشاره را فراهم آورد اما زمینه لازم را برای وی ایجاد کرد تا نسبت به بازپس‌گیری اموال و املاک ازدست‌رفته خود و خاندانش به‌ویژه در سطح بنادر گناوه و ریگ و همچنین جزایر خارک و خارگو اقدام کرده و از همین رهگذر نسبت به ثبت آنها موفق گردد. همچنین از فضای به‌وجودآمده توانست نهایت استفاده را کرده و نسبت به برخی از مسائل رخ داده به‌خصوص در زمینه حقوق اربابی و نافرمانی‌های دوران تبعید کدخدای جزیره خارک عبدالرسول احمدی (همان، ۶۱۱-۶۱۰) و روستای شول امان‌اله جعفری، برخوردارهای تند و شدید و حذفی انجام دهد، بدون اینکه از جانب مقامات دولتی مورد بازخواستی قرار گیرد (خلیفه‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۷۸-۲۷۴) و بلکه در برخی از موارد مانند درگیری با کدخدای شول از طرف لشکر فارس و پادگان بوشهر هم مورد حمایت قرار گیرد (ساکما، سند ۰۰۰۴ - ۲۹۳/۰۳۲۴۰۹).

همین وضعیت کم‌وبیش در سایر مناطق جنوب ساری و جاری بوده و باعث می‌شود تا اواسط دهه بیست شمس‌ی همین عناصر ایلی و قبیله‌ای به‌عنوان یکی از بازیگران مهم و مؤثر در عرصه سیاسی کشور مطرح شوند (گارثوئیت، ۱۳۷۵: ۱۴۰) و در منازعات و مناسبات سیاسی گاه دست به تشکیل ائتلاف‌هایی بزنند که یکی از مهم‌ترین این ائتلاف‌ها، تشکیل اتحادیه صغیر خوانین جنوب به رهبری فتح‌اله خان بوده که در اواخر شهریور سال ۱۳۲۵ ش همگام و مؤتلف با اتحادیه و سران ایل قشقایی نهضت جنوب را راه‌اندازی و رهبری کردند (نصیری طیبی، ۱۳۸۱: ۳۸-۳۷).

۴. نحوه تشکیل اتحادیه صغیر خوانین جنوب و دیدگاه‌های مختلف در خصوص

آن

با سقوط رضاشاه در شهریور سال ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۲ م و تغییر اوضاع و احوال سیاسی در ایران (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۰۲-۱۰۴)، عموم زندانیان و کسانی که در دوره سابق مجبور به جلائی وطن شده و در تبعید به سر می‌بردند، مجدداً به موطن خود برگشتند. خوانین حیات‌داودی از جمله کسانی بودند که پس از گذشت قریب به هشت سال تبعید در شیراز بار دیگر به محل سابق زندگی خود یعنی بندر ریگ و گناوه بازگشتند. اگرچه چند ماه قبل از استعفای رضاشاه از حکومت ایران، اله کرم خان حیات‌داودی فرزند حیدر خان و ضابط در تبعید بلوک حیات‌داود نیز در شیراز از دنیا رفته بود. وی در این زمان سه فرزند به نام‌های غلامحسین، فتح‌اله و امان‌اله داشت. برحسب سنت موروثی این خاندان، فرزند ارشد (غلامحسین خان) به‌عنوان ضابط، زمام امور حیات‌داود را به دست می‌گیرد ولی پس از گذشت مدت‌زمان نه‌چندان طولانی به‌دلیل بیماری از رأس امور کنار می‌رود و ضابطی این بلوک را به برادر کوچک‌ترش فتح‌اله خان فرزند دوم اله کرم خان که در این زمان ۲۶ سال داشت، می‌سپارد (حمیدی، ۱۳۸۱: ۸۰).

فتح‌اله خان به محض در دست گرفتن قدرت، راه و روش سابق مدیریتی پدر بزرگش حیدر خان در اداره امور حیات‌داود را در پیش می‌گیرد و تمام تلاشش را به کار می‌بندد تا شکوه و اقتدار سابق حکمرانی خاندان خود بر این منطقه را احیاء کند. یکی از اقدامات مهم وی ایجاد ائتلاف در بین خوانین بنادر جنوب بوده است. خان و ضابط پرجنب و جوش بلوک حیات‌داود در شهریور ۱۳۲۵ ش / سپتامبر ۱۹۴۶ م با فراخوانی و ایجاد یک ائتلاف در بین خوانین بنادر جنوب، مبادرت به تشکیل «اتحادیه صغیر خوانین» در محل قریه ده کهنه در ناحیه شبانکاره امروزی می‌کند (حمیدی، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۳). این اقدام وی یادآور ائتلاف پدر بزرگش حیدر خان حیات‌داودی با خوانین بلوک‌های حیات‌داود، شبانکاره، انگالی، رودحله و لیراوی است که مورد حمایت و پشتیبانی عوامل سیاسی و نظامی انگلیس و دولت وقت قاجار در هنگامه جنگ جهانی اول بوده است. (سعیدی‌نیا و عبدالله‌پور، ۱۴۰۰: ۸۷).

اتحادیه صغیر خوانین بنادر جنوب به محوریت فتح‌اله خان متشکل از شیخ سلیمان نصوری، احمدخان انگالی، ملک منصور شبانکاره (شاه منصور خان)، علی، امراله و اردشیر شبانکاره، رئیس علی تنگستانی، رئیس غلام رزمی، خان علی‌خان حیات‌داودی، محمدعلی‌خان لیراوی، نعمت‌اله حیات‌داودی، نعمت‌اله صولتی، حاج محمد بیگلربیگی ضابطین بلوک‌های کنگان، انگالی، شبانکاره، تنگستان، دشتی، رودحله، لیراوی، چهار روستایی و دشتستان بوده است (نوری‌زاده بوشهری، ۱۳۲۷: ۸۰). این اتحادیه صغیر اما بزرگ و مهم، طیف وسیعی از خوانین ساکن در بنادر جنوب کشور را در برمی‌گرفت و بسیار گسترده‌تر و فراگیرتر از «ائتلاف حیات‌داود» در دوران ضابطی حیدر خان بوده است (سعیدی‌نیا/عبدالله‌پور، ۱۴۰۰: ۸۷). خود این امر گویای میزان تأثیرگذاری فتح‌اله خان حیات‌داودی در مناسبات جنوب کشور در آن مقطع زمانی و ارتباط و نفوذ کلام وی نزد سران خوانین و ضابطین این مناطق بوده است.

سران اتحادیه کمی پس از آغاز قیام قشقایی‌ها در شیراز، در تاریخ ۳۰ شهریورماه ۱۳۲۵ ش / ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۶ م و در اعتراض به دیکتاتوری رژیم سابق و اقدامات فرقه دموکرات در اشغال آذربایجان به فرماندهی فتح‌اله خان به بندر بوشهر شبیخون زده و فرمانداری و ادارات دولتی این شهر را تسخیر می‌کنند. پس از اشغال بوشهر وی به‌عنوان فرماندار، رئیس‌علی تنگستانی به ریاست انتظامات شهر و عبدالحسین بنه‌گزی به ریاست شهربانی سکان امور را به دست می‌گیرند. بقیه خوانین هم هرکدام مأمور خلع سلاح پادگان‌های مستقر در محل‌های خود می‌شوند (نوری‌زاده بوشهری، ۱۳۲۷: ۸۵). درخصوص این حرکت و قیام سران خوانین مستقر در نوار ساحلی خلیج فارس به رهبری خان و ضابط بلوک حیات‌داود نظرات و روایت‌های متفاوتی تاکنون ذکر شده و پژوهشگران مختلفی در این خصوص مطالبی را بیان داشته‌اند که در ادامه به آنها اشاره مختصری می‌شود. ازجمله منصور نصیری طیبی و کاوه بیات در کتاب «نهضت جنوب»، برنامه‌ریزی برای این قیام را طرح مشترک انگلیس و قوام برای پایان‌دادن به اشغال آذربایجان توسط قوای شوروی و فرقه دموکرات عنوان کرده‌اند که پس از چندی و در مهرماه همان سال با مصالحه‌ای که بین دولت و سران نهضت در شیراز و بوشهر صورت می‌گیرد با اشغال شیراز و بوشهر خاتمه داده می‌شود (نصیری طیبی، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۰). وی در کتاب خود صرفاً به حرکت عشایر قشقایی به رهبری فرزندان ضولت‌الدوله اشاره می‌کند و بر اساس برخی از قرائن و شواهد تاریخی و همچنین برخی از مکاتبات دولتی و اظهارنظر برخی از رجال دولتی آن دوره زمانی، آن را یک حرکت هماهنگ ملی جهت مقابله با اشغالگری فرقه دموکرات در آذربایجان قلمداد می‌کند و قیام اتحادیه صغیر خوانین جنوب را نیز هم‌راستا با همین حرکت می‌داند بدون اینکه به جزئیات و نحوه آن اشاره کند (همان، ۷۴).

اسمعیل نوری‌زاده بوشهری در کتاب «اسرار نهضت جنوب» انگیزه این خوانین از قیام را به‌دست‌آوردن امتیازاتی نظیر آنچه از طرف دولت به فرقه دموکرات در آذربایجان داده

شد، همچنین جلوگیری از خلع سلاح، عدم اعزام افراد به خدمت سربازی، وصول و دریافت عواید گمرکات جنوب و مقابله با فعالیت‌های حزب توده در فارس و نواحی اطراف دانسته است (نوری‌زاده بوشهری، ۱۳۲۷: ۸۰) و آن را نوعی امتیازخواهی، خیانت و جنایت به کشور در آن شرایط پر آشوب قلمداد می‌کند.

ذوقی در کتاب «ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم» ضمن اشاره به این حادثه و پرداختن به نظرات برخی از نویسندگان معاصر با آن دوره به‌ویژه نوری‌زاده بوشهری در خصوص علل وقوع این نهضت، یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار در این حرکت را طرح و برنامه‌ریزی وزارت خارجه انگلیس جهت حفظ منافع دولت متبوع خود در مناطق جنوبی ایران و مقابله با نفوذ حزب توده در مراکز نفتی تحت سیطره‌اش، به‌ویژه در پالایشگاه آبادان و شرکت نفت انگلیس و ایران، ذکر می‌کند. وی در تشریح جزئیات این موضوع که آن را طرح بوین، وزیر وقت امور خارجه انگلیس، می‌نامد این‌گونه بیان می‌کند که پس از سقوط آذربایجان و اعلام خودمختاری فرقه دموکرات در منطقه شمال غرب کشور، بوین از کارشناسان بخش شرقی وزارت خارجه می‌خواهد تا راهکارهای خود برای حفظ منافع دولت انگلیس در ایران و راهکارهای مقابله با فعالیت‌های روزافزون حزب توده به وی ارائه کنند. توصیه‌های کارشناسان مذکور به وی بدین شرح است: الف) سهم کردن آمریکا در نفت ایران در منطقه جنوب شرقی یعنی سیستان و بلوچستان و تأسیس یک کمپانی مشترک متشکل از شرکت‌های انگلیسی، آمریکایی و دولت ایران ب) تأسیس و تشکیل حزب یا احزاب سیاسی مخالف حزب توده در ایران؛ تا اینها با پشتیبانی دولت انگلیس بتوانند از دست‌یابی این حزب به قدرت جلوگیری به عمل آورند. ج) جهت حفظ منابع نفتی از دسترس دولتی که ممکن است امتیاز ما را لغو کند، ما نیز بایستی از تاکتیک روس‌ها بهره برده و با ایجاد یک جنبش خودمختاری طلب در جنوب غرب ایران با آن از قبل مقابله کنیم (ذوقی، ۱۳۶۸: ۳۰۴-۳۰۳).

بویین اگرچه ابتدا با پیشنهاد اول موافقت و با دو پیشنهاد بعدی به دلیل تبعات آن و فراگیرتر شدن هرج و مرج در ایران و از کنترل خارج شدن امور مخالفت می‌کند، اما پس از اعتصاب گسترده کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در منطقه آغاجری و پس از آن در پالایشگاه آبادان و احساس خطر جدی نسبت به نفوذ غافلگیرکننده حزب توده در بین کارگران ایرانی شاغل در مناطق نفتی، سریعاً به سفیر خود دستور می‌دهد تا ضمن گزارش کامل اوضاع در ایران پیشنهادهای خود را درخصوص مقابله با آن ارائه دهد. بویین از سفیر خود صراحتاً می‌خواهد تا برای مقابله با این موضوع و در صورت نیاز «از احساسات دوستانه و صمیمی که بعضی از عناصر محلی به ما دارند استفاده نموده و طرح خود را به اجرا درآوریم. مثلاً به وسیله افراد قبایل تاکتیک روس‌ها را با تحریک ناراضیانی که در آن ایالت وجود دارند به اجرا درآوریم» (همان: ۳۱۶-۳۱۷).

روژتل سفیر انگلیس در تهران که ابتدا مخالف طرح شورش و قیام قبایل بود، ولی پس از تشکیل کابینه توسط قوام‌السلطنه و انتصاب سه وزیر از حزب توده، بلافاصله پیشنهاد می‌کند شورش قبایل علیه دولت مرکزی شکل بگیرد تا اولاً به سرنگونی حزب توده بینجامد و ثانیاً انتخابات مجلس شورای ملی را به تعویق بیندازد؛ چراکه در صورت برگزاری انتخابات و راه‌یابی نمایندگان توده‌ای به مجلس این حزب قدرت فوق‌العاده‌ای هم در مجلس به دست خواهد آورد. هم‌راستا با این راهکارها، دولت انگلیس کشتی‌های جنگی خود را به آب‌های اروندرود اعزام و نیروهای خود را در بصره مستقر می‌کند؛ بنابراین طرح از پیش طراحی‌شده انگلستان برای جداسازی منطقه جنوبی ایران به‌ویژه خوزستان در دستور کار آنها قرار می‌گیرد (همان، ۳۲۰-۳۱۸). لذا به نظر می‌رسد که ذوقی اقدام سران نهضت جنوب در سال ۱۳۲۵ ش را در راستای برنامه‌ها و خواست دولت انگلیس می‌داند.

با عنایت به شرح سه نظریه فوق درخصوص علل و عوامل شکل‌گیری نهضت جنوب و پرداختن به چرایی اقدام هم‌زمان سران ایل قشقایی (فرزندان صولت‌الدوله) در منطقه فارس

و اتحادیه صغیر خوانین جنوب به سرکردگی فتح‌اله خان حیات‌داودی در بوشهر و سایر شهرها و بنادر جنوب و تسخیر ادارات دولتی و در اختیار گرفتن کنترل این مناطق مهم و راهبردی کشور در آن مقطع زمانی حساس، بی‌ثبات و شکننده امنیتی توسط این افراد و با توجه به اذعان سران ایل قشقایی به اختلاف دیدگاه خود با خوانین حیات‌داودی (صولت قشقایی، ۱۳۷۱: ۱۰۷)، همچنان به نظر می‌رسد به‌درستی و قطعیت در خصوص علل، عوامل و چرایی این الحاق و اقدام هم‌زمان به‌درستی بررسی نشده و بخشی از حقایق آن زمان همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از همین رو و در ادامه، روایت کامل این ماجرا را از زبان خود فتح‌اله خان حیات‌داودی یکی از رهبران اصلی نهضت و مؤسس اتحادیه صغیر خوانین جنوب که از پرونده انفرادی ایشان و از اسناد بازجویی‌اش توسط ساواک استخراج شده است، برای نخستین بار همراه مستنداتش ارائه می‌شود.

۵. ساواک و پیگیری پرونده سران نهضت جنوب

یکی از رخداد‌های مهم سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور با نام اختصاری ساواک در اواخر سال ۱۳۳۵ ش است. با تأسیس این سازمان و راه‌اندازی شاخه‌های استانی آن در اقصی نقاط کشور، فعالیت‌های گسترده اطلاعاتی، امنیتی و قضایی آن آغاز شد. یکی از برنامه‌های اصلی این تشکیلات امنیتی و ضدجاسوسی، رصد، شناسایی و خنثی‌سازی کانون‌های آسیب، تهدید و یا خرابکار- بالفعل و بالقوه- علیه حکومت پهلوی در سطح داخل و خارج از مرزهای کشور بود (پهلوی، ۱۳۷۲: ۳۴۰-۳۳۶) که می‌توان آن را در راستای همان راهبرد و سیاست تمرکز قدرت شاه در مرکز پس از کودتای ۲۸ مرداد قلمداد کرد. بنابراین در همان بادی امر یکی از پرونده‌های مهم ساواک در سطح بنادر و جزایر خلیج فارس، تشکیل پرونده اتهامی برای فتح‌اله خان حیات‌داودی ضابط این بلوک است. پرونده‌ای که به اذعان گزارش منوچهر

هاشمی رئیس ساواک فارس به رده مافوق خود، تشکیل آن موجب رضایتمندی عمومی و افزایش سطح امنیت و آرامش در سطح بنادر جنوب شده است (مپس، پرونده فتح‌اله خان حیات‌داودی، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۲۲۷ - ۲۹۶۴۹۰۲۳۳ - ۲۹۶۴۹۰۲۴۴).

طبق اسناد به‌دست‌آمده، اولین گزارش درخصوص اقدامات گذشته و حال فتح‌اله خان در تاریخ ۱۳۳۶/۰۹/۰۳ ش توسط سرهنگ منوچهر هاشمی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بنادر و به‌صورت محرمانه و مستقیم خطاب به تیمسار بختیار رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (اداره کل سوم) ارسال می‌شود. در این گزارش دو صفحه‌ای به سوابق و فعالیت‌های فتح‌اله خان حیات‌داودی در دهه بیست شمسی در سطح بنادر جنوبی به‌ویژه غائله شهریور سال ۱۳۲۵ ش (نهضت جنوب)، میزان بدهی‌های وی و سایر خوانین بابت خسارت‌ها و غارت اموال عمومی در این سال و گزارشی از شرح حال فعلی او و خوانین دیگر ارائه می‌کند و در پایان با تأکید بیان می‌دارد که عدم برخورد با این افراد موجب جری‌تر شدن آنها و بدبینی و سلب اعتماد عمومی نسبت به اولیای امور می‌شود (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۰۰۳ - ۲۹۶۴۹۰۰۰۴). ساواک بنادر در این نامه در خصوص رخداد سال ۱۳۲۵ ش این‌گونه گزارش می‌دهد:

«در سال ۱۳۲۵ برادران قشقایی و عده دیگری از سران عشایر فارس به‌علت نامساعد بودن اوضاع کشور و مقتضیات روز تحت تأثیر عوامل بیگانه قرار گرفته و در کلیه نقاط استان فارس شروع به غارت و چپاول می‌نمایند. من جمله فتح‌اله حیات‌داودی و برادران و بستگان او نیز منطقه بوشهر را میدان تاخت‌وتاز تمایلات مادی خود قرار داده و میلیون‌ها قند و شکر دولت را غارت و از آن تاریخ تاکنون هر وقت مأمورین و مسئولین امر قدرت و لیاقتی داشته‌اند] نسبت به جبران خسارت وارده اقدام و جوهی از آنان گرفته‌شده است... فتح‌اله حیات‌داودی مجبور می‌شود چکی به مبلغ دویست و پنجاه‌هزار ریال در وجه اداره قند و شکر استان صادر نماید منتها پس از مراجعه اداره مزبور به بانک ملی معلوم گردیده

که چک صادره بلامحل است و از آن تاریخ تا حال وصول آن چک بلامتکلیف مانده و متصدیان امر نتوانسته‌اند و یا نخواستند حق دولت را وصول نمایند» (همان، برگ (۲۹۶۴۹۰۰۰۳).

در پایان این نامه میزان بدهی و دیون خوانین جنوب به نام‌های فتح‌اله حیات‌داودی، رئیس‌علی تنگستانی، ملک منصور و اردشیر شبانکاره، رئیس‌غلام رزمی، غلامحسین تنگستانی، محمدعلی و علی رزمی ساکن دشتی و شیخ سلیمان نصوری بخشدار گناوه را که در ماجرای شهریور سال ۱۳۲۵ ش نقش آفرین بوده‌اند آورده که میزان بدهی هرکدام از این افراد به شرح جدول زیر عنوان شده است:

میزان بدهی‌های خوانین جنوب به دولت بابت غائله نهضت جنوب (همان، برگ (۲۹۶۴۹۰۰۰۴).

نام دائن	مبلغ دین	پرداختی	تتمه	تخفیفی که دولت داده
فتح‌اله حیات‌داود ی	۱۹۴۸۳۴۲۴ /۱۵	۱۲۰۰۶۳۷۵ /۱۰	۷۴۷۷۰۹ /۰۵	۳۲۵۲۵۰ /۳۰
رئیس‌علی تنگستانی	۷۲۱۲۶۹۷ /۲۰	۵۶۶۸۵۰۲ /۲۰	۱۵۴۴۱۹۵	۱۱۴۸۷/۷۰
ملک‌منصور و اردشیر	۱۰۳۶۴۴۰۵ /۶۵	۱۷۰۰۰۰۰	۸۶۶۴۴۰۵ /۶۵	۲۹۷۶۲۳ /۷۰

				شبانکاره
-	-	-	۱۵/ ۷۰۷۹۲۳	رئیس غلام رزمی
۷۲۸۳/۶۵	-	-	۶۶۸۲۹۵	غلامحسین تنگستانی
۱۳۴۴۰۰	۶۰/ ۹۸۰۵۸۲	۷۶۰۸۸/۱۵	۷۵/ ۱۰۵۶۶۷۰	محمدعلی و علی رزمی
-	-	-	۲۰/ ۳۵۶۰۹۸۴	شیخ سلیمان نصوری

در سطر آخر همین نامه رئیس ساواک بنادر عنوان می‌کند که «آقایان فتح‌اله حیات‌داودی و شیخ سلیمان نصوری بابت بدهی خود به دولت سند رسمی داده، مع‌هذا از پرداخت تتمه بدهی خودداری می‌نمایند» (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۰۴).

شایان‌ذکر است، آنچه از متن این نامه مستفاد می‌شود این است که رئیس ساواک بنادر علاوه بر پرداختن به اتفاقات سال نهضتی و اعلام میزان بدهی خوانین درگیر در این ماجرا، تأکید ویژه‌ای نسبت به شخص فتح‌اله خان حیات‌داودی و اقدامات وی در سطح بلوک حیات‌داود داشته و در گزارش خود می‌کوشد تا مسئولان ساواک در مرکز را نسبت به ایشان حساس‌تر کند. لذا در بخشی از همین نامه اتهامات دیگری را متوجه او می‌سازد از جمله اینکه:

«... علاوه بر اینکه به وفاداری این اشخاص (خوانین) هیچ گونه اعتمادی نیست و در حال حاضر سهم بزرگی در اشاعه قاچاق و ناامنی منطقه دارند، عدم توجه به این مسائل سبب شده که فتح‌اله حیات‌داودی املاک گناوه را که متعلق به دولت است برای تأیید مالکیت خود من غیرحق در معرض فروش گذارده و ادعای مالکیت جزیره خارک را بنماید و گمرک و سایر ادارات بندر ریگ را تیول خود نموده و از هرگونه سوءاستفاده و اعمال نفوذ فروگذار نیست و پیوسته از حمایت عده‌ای از متنفذین در مرکز برخوردار است» (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۰۰۳ - ۲۹۶۴۹۰۰۰۴).

طبق بررسی انجام‌شده در تاریخ ۱۳۳۶/۱۰/۱۶ همین گزارش ساواک بنادر بدون کمترین تغییرات در متن و محتوای آن و این بار با امضای رئیس ساواک مرکز «جهت استحضار خاطر عالی» نخست‌وزیر، که در آن مقطع زمانی منوچهر اقبال بوده است، ارسال می‌شود (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۰۰۷ - ۲۹۶۴۹۰۰۰۸). نخست‌وزیر نیز دستور می‌دهد این گزارش به «دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال و به شرف‌عرض همایونی» رسانیده شود (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۰۰۹). همین گزارش مبنای تشکیل پرونده امنیتی برای فتح‌اله خان حیات‌داودی می‌شود و ساواک بنادر که از ارسال این گزارش بازخورد مثبتی دریافت می‌کند برای سایر فعالیت‌ها و اقدامات ضابط حیات‌داود گزارش‌های مجزایی تهیه و به مرکز ارسال می‌دارد و در انتهای تمامی این گزارش‌ها درخواست برخورد و تنبیه نامبرده را می‌کند. در اسفند ۱۳۳۶ ش سرهنگ منوچهر هاشمی از ساواک بنادر به منصب رئیس ساواک فارس منصوب می‌شود و به تبع همین امر پرونده‌های اتهامی فتح‌اله خان نیز به ساواک فارس منتقل می‌شود و ایشان همچنان مصرانه پیگیر می‌شود تا بتواند مسئولان عالی‌رتبه ساواک را متقاعد سازد تا با او برخورد لازم را انجام دهند.

طبق بررسی انجام‌شده از اسناد موجود در پرونده انفرادی وی مجموعاً حدود بیست گزارش درخصوص اقدامات و فعالیت‌های مختلف او توسط ساواک بنادر و فارس به تهران ارسال

می‌شود که در نهایت رئیس اداره کل سوم در ذیل نامه بیستم که در خصوص نحوه فعالیت‌های فتح‌اله خان نسبت به تصرف املاک خود و نفوذ در ادارات دولتی است در تاریخ ۱۳۳۷/۰۲/۱۴ ش خطاب به مسئول دفتر رئیس ساواک مرقوم می‌دارد که: «به عرض برسد؛ چنانچه موافقت فرمایند مراتب از شرف‌عرض بگذرد که حیات‌داودی در تهران بماند و دیگر به بوشهر نرود». دفتر رئیس ساواک در تاریخ ۱۳۳۷/۰۲/۱۵ پاسخ می‌دهد که: «از شرف‌عرض گذشت، مقرر فرمودند بازداشت گردد و تحت تعقیب درآید» (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۰۶۶ - ۲۹۶۴۹۰۰۶۷). پیرو همین دستور سرلشکر بختیار رئیس ساواک، فتح‌اله خان را روز جمعه مورخ ۱۳۳۷/۰۲/۱۹ ش در شهر شیراز به اتهام «تحریک و اختلال در نظم عمومی» دستگیر و به تهران انتقال داده می‌شود و در زندان قزل‌قلعه محبوس می‌گردد و از دادستانی ارتش خواسته می‌شود تا «نسبت به صدور قرار شایسته در خصوص نامبرده اقدام» کنند (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۰۷۰). پس‌از این اقدام ساواک درصدد جمع‌آوری اسناد و مدارک در خصوص موارد اتهامی فتح‌اله خان برمی‌آید، لذا طی تلگرافات خیلی فوری به ساواک بنادر و فارس و همچنین ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران (اداره دوم) از آنها می‌خواهد تا هرگونه سابقه و یا پرونده‌ای در خصوص ایشان را جمع‌آوری و فوراً برای آنها ارسال کنند (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۰۷۲ - ۲۹۶۴۹۰۰۷۳).

در این مرحله از دستگیری توسط ساواک، فتح‌اله خان حیات‌داودی در خصوص نه اتهام مورد بازجویی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

- فعالیت‌های مضره و اقدام علیه امنیت مملکتی.
- تحریک عشایر بوشهر به یاغی‌گری و قیام بر ضد پادگان نظامی بوشهر.
- نهب و غارت اموال دولتی و اشخاص.
- ارتباط با بیگانگان.
- مبادرت به وارد کردن اسلحه و کالای قاچاق.

- اعمال نفوذ و قدرت در ادارات دولتی به منظور ارتکاب جرائم فوق.
 - سلب آسایش اهالی و ایجاد نزاع و دودستگی افراد به منظور تأمین منافع شخصی.
 - تحریص اهالی به جنگ در قتال با یکدیگر.
 - دخالت در امور مأمورین دولت و ترویج رشاء و ارتشاء در بین آنان به منظور ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور (همان، برگ ۲۱۱/۲۹۶۴۹).
- از این نه اتهام چهار مورد اول مربوط به نقش آفرینی وی در ماجرای نهضت جنوب در سال ۱۳۲۵ ش و ناظر به این واقعه است و سایر اتهامات در خصوص فعالیت‌های دیگر او در زمینه رفع تصرف از املاکشان و اعمال نفوذ در ادارات دولتی (ثبت جزایر خارک و خارگو)، درگیری‌های محلی او با برخی از اهالی ساکن در بلوک حیات داود و قاچاق کالا و اسلحه از گمرک بندر ریگ بوده است که کلیه این موارد در قالب بیست گزارش و طی حدود شش ماه توسط ساواک بنادر و فارس تهیه و به مرکز ارسال شده بودند. فتح‌اله خان در جلسات بازجویی تمامی این اتهامات علیه خودش را رد می‌کند؛ اما در رابطه با نقش آفرینی‌اش در ماجرای نهضت جنوب و در پاسخ به پرسش بازجوی خود مطالب حائز اهمیتی از پشت پرده این ماجرا بازگو می‌کند که از نظر تاریخی و همچنین اشاره به علل، عوامل و چرایی این حرکت پرمخاطره بسیار شایان توجه است. در جمع‌بندی از اظهارات او توسط اداره کل سوم خطاب به رئیس ساواک در خصوص این موضوع چنین آمده است:
- «در مورد تحریک عشایر بوشهر به یاغی‌گری و قیام بر ضد پادگان‌های نظامی می‌گوید: این اتهامات موجب تعجب بنده است و به کلی تکذیب می‌شود. اگر منظور شما در این مورد نهضت جنوب است باید عرض کنم که این نهضت از طرف عموم مردم میهن‌پرست فارس بوده و از جانب دولت هم به رسمیت شناخته شده و دولت با ناصر قشقایی و برادرانش که به مرکز آمده بودند در این مورد قراردادی را امضاء کرده و فرمان عفو عمومی از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صادر شده است. این یک قیام

وطن پرستانه‌ای بود که تمام مردم غیور فارس به علت نرمش بیش از حد حکومت مرکزی در مقابل خائنین وطن از خود نشان دادند و معاون نخست‌وزیر مظفر فیروز قصد داشت که دامنه عملیات خود را به فارس بکشاند، مردم وطن پرست چاره‌ای ندیدند جزء اینکه در مقابل این اعمال عدم رضایت خود را به این ترتیب نشان دهند و در این جریان بنده یک نفر از سه میلیون نفر مردم فارس بودم و پس از جریان ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و ورود ارتش به خاک آذربایجان که نظر مردم فارس تأمین گردید، قضیه نهضت جنوب هم به خودی خود از طرف مردم بدون کوچک‌ترین دخالت از بین رفت و همه اسلحه‌های خود را که احتیاجی دیگر به آن نداشتند تحویل مقامات انتظامی نمودند» (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۲۱۲ - ۲۹۶۴۹۰۲۱۳).

در روایتی دیگر از پشت پرده این ماجرا، فتح‌اله خان حیات‌داودی در لایحه دفاعیه خود در دادگاه زمان جنگ شیراز که برای مرتبه سوم و به اتهام تحریک سران خوانین و عشایر فارس و بویراحمد جهت شورش و آشوب علیه دولت در اسفندماه سال ۱۳۴۱ ش دستگیر و مورد محاکمه قرار گرفت، مجدداً در رابطه با مشارکت خود در نهضت سال ۱۳۲۵ ش و علت وقوع آن چنین بیان می‌دارد:

«در زمان پیشه‌وری چون دولت خود را از همه گونه اقدامی عاجز می‌دید [و] استحضار شاهنشاه، مسئله نهضت جنوب درحالی که بنده در مرکز بود [م] در تهران طرح‌ریزی شد و نهضت فارس در مهرماه آن سال شروع و یک ماه بعد ارتش به آذربایجان ریخت و آنجا را از وجود ناپاکان پاک ساخت و آن وقت بنده به اتفاق ناصر قشقایی و استاندار فارس به خاک پای شاهنشاه رفتم و قوام‌السلطنه را دیدیم و در نتیجه قراردادی بین دولت و سران نهضت فارس به امضاء رسید و نهضت رسمی شناخته شد و فرمان عفو عمومی مأمورین صادر شد و در این سال بنده در باشگاه افسران تهران از دست مبارک ملوکانه نشان افتخار گرفتم» (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۴۷۲ - ۲۹۶۴۹۰۴۷۳).

۶. علل و عوامل تشکیل اتحادیه صغیر خوانین جنوب

با توجه به دو روایت فوق از عقبه ماجرا و آنچه از پشت پرده این واقعه مهم تاریخی در آن مقطع حساس - که بخش قابل توجهی از خاک کشور با پشتیبانی قوای شوروی به اشغال فرقه دموکرات آذربایجان درآمده بود- مستفاد می شود این است که نهضت مردم جنوب در شهریورماه سال ۱۳۲۵ ش یک طرح ملی برای کمک به آزادسازی مناطق اشغالی شمال غرب بوده که توسط سران حکومتی و دولتی در مرکز کشور و با اطلاع کامل شاه و نخست وزیر طراحی و عملیاتی شد. وظیفه اجرا و مدیریت این پروژه نیز برعهده دو تن از سران خوانین متنفذ جنوب یعنی محمدناصر خان صولت قشقایی در شیراز و فتح‌اله خان حیات‌داودی در بوشهر بوده است. لذا با توجه به روایت‌های مختلفی که از این غائله وجود دارد، احتمال اینکه دولت انگلستان هم به واسطه منافع راهبردی که در مناطق نفت‌خیز جنوب داشته و از بیم نفوذ کمونیست و به‌خطرافتادن منافعش در این طرح مشارکت جدی داشته، نیز متصور هست که با توجه به برخی از قرائن و شواهد موجود که به بعضی از آنها اشاره شد، چنین به نظر می‌رسد.

یکی دیگر از علل اثبات ملی و هماهنگ بودن این طرح با سران حکومت در آن مقطع زمانی، فرمان عفو عمومی محمدرضا شاه و عدم محاکمه سران اصلی نهضت پس از فروکش کردن غائله است. از طرف دیگر به‌رغم پرونده پراشده‌ای که ساواک برای فتح‌اله خان حیات‌داودی باگذشت بیش از یک دهه از ماجرا تشکیل می‌دهد و او را عامل ناامنی، فساد و اغتشاش در سطح بنادر جنوب کشور معرفی می‌کند و به طرز خاص و تحقیرآمیزی او را در مهمانی هیئت‌دولت در شیراز دستگیر و به زندان قزل‌قلعه در تهران منتقل می‌کند و عملیات روانی گسترده‌ای در سطح مطبوعات محلی و کشوری (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۱۶۰) در خصوص دستگیری وی انجام می‌دهد و به مدت یک سال و نیم (نوزده

ماه) و بدون محاکمه قضایی در حبس نگه می‌دارند؛ سرانجام به دستور شخص شاه به دلیل مشمول مرور زمان شدن اتهامات مورد عفو قرار می‌گیرد و از زندان آزاد می‌شود! این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که کارشناسان ساواک در گزارش جمع‌بندی خود از بازجویی‌ها و تحقیقاتشان از نامبرده مشمول مرور زمان شدن اتهامات او را کاملاً رد می‌کنند و تلاش دارند تا توسط دادستانی ارتش به اتهامات وی رسیدگی شود.

فتح‌اله خان حیات‌داودی نحوه آزادی خود از زندان را در جواب به این پرسش بازجوی ساواک - در اسفندماه سال ۱۳۴۱ ش- که از او در خصوص سوابق دستگیری‌هایش این‌گونه می‌پرسد: «س- تاکنون چند بار از طرف مأمورین انتظامی دستگیر شده‌اید و علت اتهام و دستگیری شما چه بوده است؟» پاسخ می‌دهد:

ج- در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۷ هیئت دولت [به] شیراز آمد. از طرف تیمسار بختیار که به شیراز آمده [بود] دستگیر و با هواپیما به زندان قزل‌قلعه اعزام گردیدم و اتهام آن ادعای مالکیت جزیره خارک بود و به اتهام دخالت در نهضت ملی جنوب توقیف شدم و از طرف دادرسی ارتش چون موضوع مشمول مرور زمان شده بود و دولت هم نهضت ملی جنوب را به رسمیت شناخته بود و اعلیحضرت همایونی فرمان عفو عمومی صادر کرده بودند، لذا دادرسی ارتش این اتهام را وارد ندانسته مرا آزاد نمودند (همان، برگ ۲۰، ۲۹، ۳۰).

در گزارش جمع‌بندی ساواک در خصوص اتهامات فتح‌اله خان حیات‌داودی نیز چنین نتیجه‌گیری شده است:

«به‌طور کلی اقدامات فتح‌اله حیات‌داودی با دو مسئله مهم اصطکاک می‌یابد: (۱) حاکمیت دولت (۲) منافع مردم. در قسمت اول با توجه به قوانین و مقررات امنیتی موضوعه چون کلیه اعمال و رفتار خلاف قانون او ادامه داشته و جرائم مرتکبه کاملاً در گردش بوده بنابراین مشمول مرور زمانی که به آن استناد نموده است، نشده و قابل تعقیب است... نامبرده در تمامی جلسات بازجویی خود را به کلی مبرا از اتهامات مزبور دانسته که با مفاد

اسناد و مدارک موجود در پرونده مغایرت دارد و کلیه اظهارات او صرفاً به منظور دفاع و پرده پوشی خرابکاری‌ها و لوٹ اعمال غیرقانونی خود می‌باشد... کلیه پرونده‌های اتهامی وی که به این سازمان ارجاع گردیده مورد بررسی قرار گرفت و بازجویی‌های لازم از او به عمل آمد... در صورت تصویب مقرر فرمائید پرونده را جهت رسیدگی قانونی به دادستانی ارتش ارسال دارند» (همان، برگ‌های ۲۹۶۴۹۰۲۱۹ - ۲۹۶۴۹۰۲۱۷).

با این تفاسیر و به دستور رئیس ساواک، پرونده به دادستانی ارتش فرستاده می‌شود که پس از بررسی محتویات پرونده سپهبد آزموده رئیس اداره دادرسی ارتش طی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۳۸/۰۸/۲۹ به بختیار رئیس ساواک نتیجه رسیدگی به پرونده توسط بازپرس را این‌گونه گزارش می‌دهد:

«درباره غیرنظامی فتح‌اله حیات‌داودی که از تاریخ ۱۳۳۷/۰۲/۱۹ بازداشت است بازپرس مربوطه گزارش می‌دهند آنچه از محتویات پرونده نتیجه گرفته می‌شود این است که اتهامات منتسبه مربوط به وقایع سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ جنوب بوده که تاکنون متجاوز از ۱۳ [سیزده] سال از انتساب اتهامات گذشته و موضوع قانوناً مشمول مرور زمان شده است. در صورت اقتضاء یکی از دو پیشنهاد زیر عملی شود: ۱- به علت مشمول مرور زمان قرار موقوفی تعقیب صادر و متهم آزاد شود ۲- قرار تبدیل تأمین متهم صادر شده، آزاد شود و پرونده متوقف بماند» (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۲۶۱).

در پاسخ به این نامه، ساواک در تاریخ ۱۳۳۸/۰۹/۱۴ طی نامه‌ای به اداره دادرسی ارتش نتیجه استعلام انجام شده از محمدرضا شاه را این‌گونه ابلاغ می‌کند: «گزارش تیمسار به شرف‌عرض همایونی رسید، با ماده ۱ [یک] پیشنهادی موافقت فرمودند» (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۲۶۲). بدین ترتیب فتح‌اله خان حیات‌داودی در تاریخ ۱۳۳۸/۰۹/۲۰ بدون محاکمه و محکومیت قضایی از زندان آزاد می‌شود.

حال سؤالی که در این رابطه به ذهن متبادر می‌شود این است که چگونه امکان دارد شخصی با نه اتهام ضدامنیتی مختلف و متهم به «تحریک مردم به ارتکاب جنحه و جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت و فعالیت‌های مضره» (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۱۴۸) و پس از یک سال و نیم حبس و انجام «بازجویی‌های لازم» و «اصطکاک او با حاکمیت دولت و منافع مردم» به محض ارجاع پرونده‌اش به دادرسی ارتش، بازپرس پرونده به دلیل اینکه عمده اتهامات مربوط به وقایع سال ۱۳۲۵ ش بوده و آن را مشمول مرور زمان دانسته، پیشنهاد توقف پرونده و یا منع تعقیب او را دهد؟! آیا نمی‌توان این‌گونه گفت که ساواک به دلیل عدم اطلاع و اشراف اطلاعاتی از عقبه ماجرای نهضت ملی سال ۱۳۲۵ ش اقدام به دستگیری او کرده و ارتش به علت اینکه در متن ماجرا قرار داشته نسبت به آزادی وی رأی داده است؟ توضیح اینکه ساواک ده سال پس از این واقعه و در اواخر سال ۱۳۳۵ ش تأسیس شد. ضمناً اگر فتح‌اله خان حیات‌داودی بدهی مالیاتی و یا هرگونه بدهکاری دیگری به دولت داشته چرا بدون وصول آنها از زندان آزاد می‌شود؟! و چرا مورد عفو ملوکانه قرار می‌گیرد؟! آیا به نظر نمی‌رسد که دستگیری وی علل و عوامل دیگری غیر از این موضوعات داشته است؟! و اساساً مگر جرائم امنیتی، غارت اموال عمومی و دولتی و ارتکاب جنحه و جنایت هم مشمول مرور زمان می‌گردند؟!

تمامی این سؤالات به همراه اما و اگرهای دیگر و همچنین بررسی اوراق پرونده حاکی از آن است که اولاً: مشارکت فتح‌اله خان در وقایع نهضت جنوب همان‌گونه که خود بیان می‌کند یک طرح برنامه‌ریزی‌شده در سطح ملی بوده و ثانیاً: ساواک بیشتر به استناد گزارش‌های واسله از ساواک بنادر و فارس و تحت تأثیر گزارش‌های غیرمستند این دو اداره زیرمجموعه خود اقدام به دستگیری او کرده و مستمسک محکمی برای محکومیت او در اختیار نداشته است و ثالثاً: فتح‌اله خان خطاب به بازپرس پرونده خود در خصوص موضوع اتهاماتش و نحوه دستگیری‌اش واکنش نشان می‌دهد و صلاحیت بازپرس را به

علت نظامی بودن وی زیر سؤال می‌برد (همان، برگ ۲۹۶۴۹۰۱۲۵) و رابعاً: همان‌طوری که در گزارش‌های ساواک به آن اشاره شده و فتح‌اله خان خطاب به بازجوی خود می‌گوید، علت اصلی دستگیری او نه مشارکتش در غائله نهضت جنوب بلکه علت اصلی آن مسئله پیدایش نفت در اراضی تحت نفوذ و مالکیت او نظیر گناوه و جزیره خارک و ادعای مالکیت وی بر این اراضی بوده است که شرح این موضوع خارج از چارچوب این پژوهش بوده و بحث آن در این مقاله نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری

جنگ‌های جهانی اول و دوم به‌رغم تلاش ایران برای دوری‌جستن از منازعات قدرت‌های بزرگ به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و ژئوپلیتیک خود و به‌واسطه داشتن منابع سرشار معدنی به‌ویژه در مناطق جنوبی و ساحلی، از اوایل قرن نوزدهم به بعد در کانون توجهات دو قدرت استعمارگر انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت و همین امر باعث شد تا محیط سیاسی و امنیتی داخلی آن به‌شدت متأثر از سیاست‌ها و اقدامات مخرب این کشورها قرار گیرد. ارمغان هر دو جنگ برای ایران سقوط حاکمان و حکومت‌ها، هرج‌ومرج، ناامنی، قحطی و ویرانی بوده است. از طرف دیگر دو دهه سیاست متمرکز و سرکوب‌گرایانه رضاشاه و سقوط یک‌باره وی موجب آزاد شدن انرژی خفته و خشمگینی شد که طی این مدت تمام هستی خود را ازدست داده بود و حالا شرایط برای آنها همانند زمان اواخر دوره قاجار که از آزادی عمل بسیاری برخوردار بود مهیا شد. برخی از گروه‌ها و جریان‌های قومی و سیاسی با سوءاستفاده از شرایط حاکم بر کشور راه تجزیه‌طلبی در پیش گرفته و برخی دیگر در پی تصاحب حقوق ازدست‌رفته خود بودند. در چنین وضعیتی، بی‌ثباتی سیاسی حکومت مرکزی و نداشتن یک راهبرد مشخص در مقابل حوادث و رویدادهای داخلی و بین‌المللی، مقامات محلی را برای تأمین امنیت به سمت همین

قدرت‌های محلی سوق داد. یکی از تحولات مهم این مقطع زمانی هم‌گرایی خوانین و ضابطین مناطق مختلف، بعضی با داشتن دیدگاه‌های کاملاً متفاوت و حتی متضاد از هم برای رسیدن به مطامع موردنظر خود در قالب ائتلاف و اتحادیه‌های قومی و قبیله‌ای و منطقه‌ای بود. آنچه از بررسی اسناد نویافته ساواک به دست می‌آید حاکی از آن است که اتحادیه صغیر خوانین جنوب به رهبری فتح‌اله خان حیات‌داودی برخلاف اقدامات فرقه دموکرات آذربایجان یک ائتلاف خائنه و تجزیه‌طلبانه نبوده بلکه در راستای اجرای یک طرح ملی و هماهنگ با دولت قوام و حکومت و در مقابل نفوذ و دخالت بیگانگان و تجزیه‌طلبی برخی از گروه‌ها و عناصر قوم‌گرا و حزبی بوده که به‌صورت هم‌زمان در مناطق جنوبی و غربی کشور و با محوریت ایل قشقایی به مرحله اجرا گذاشته شد.

پس از آزادسازی مناطق اشغالی و عقب‌نشینی شوروی، نهضت جنوب از جانب دولت به رسمیت شناخته شد و با واگذاری برخی از امتیازات به آنها و خلع سلاح افراد عشایر و خوانین، هرکدام به محل خود بازگشتند. پس از اتمام این غائله سران این نهضت هرکدام وارد مراودات گسترده سیاسی با حکومت پهلوی می‌شوند به‌طوری‌که محمدناصر خان صولت قشقایی در انتخابات مجلس شرکت کرده و به‌عنوان نماینده شیراز پذیرفته می‌شود. چندی بعد و در سال ۱۳۲۸ ش و تشکیل مجلس سنا از طرف شاه به‌عنوان سناتور فارس منصوب می‌گردد و فتح‌اله خان حیات‌داودی هم به‌عنوان نماینده دولت در مناطق ساحلی مأمور توزیع کالاهای اساسی نظیر بذر گندم، جو، قند، شکر و چای می‌شود و علاوه بر این از طرف دولت به وی اجازه عقد قرارداد با شرکت نفت انگلیس و ایران جهت تأمین خرما و گندم موردنیاز شرکت نیز داده می‌شود. در این میان به نظر می‌رسد انگلیس هم به‌واسطه داشتن منافع مهم و راهبردی در جنوب کشور در این ماجرا بی‌تأثیر نبوده و یکی از حامیان و پشتیبانان اصلی و خط‌دهنده این حرکت بوده است.

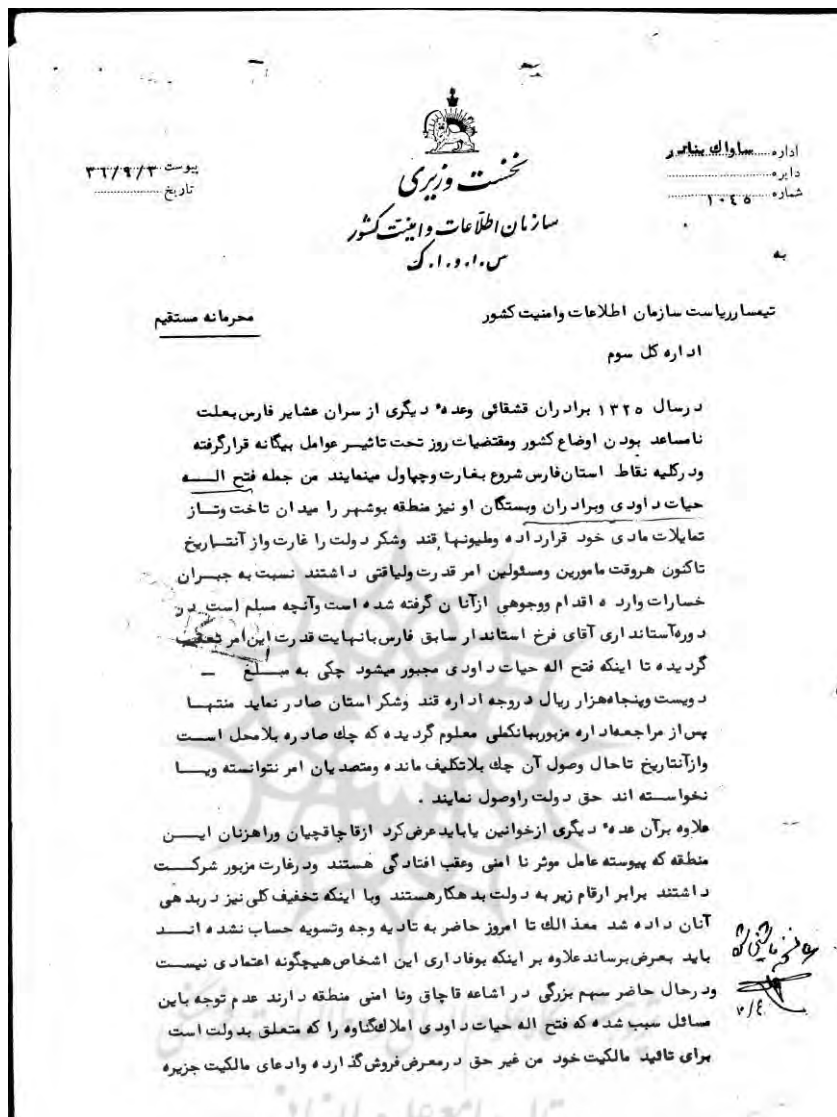
۲۰۰ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

نوری‌زاده بوشهری، اسمعیل، اسرار نهضت جنوب، تهران: چاپخانه تابش، ۱۳۲۷.

پ) مقاله

سعیدی‌نیا، حبیب‌اله و عبدالله‌پور، حسین، «بلوک حیات‌داود و نقش خوانین آن در تحولات سیاسی و اقتصادی کرانه‌های شمالی خلیج‌فارس در دوران قاجار و پهلوی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، س ۱۳، ش ۴، پیاپی ۲۸، ۶۷-۹۸، زمستان ۱۴۰۰.






اولین گزارش ساواک بنادر در خصوص اقدامات سران اتحادیه صغیر جنوب در سال ۱۳۲۵

ش (مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، پرونده انفرادی فتح اله خان حیات داودی، جلد

اول، برگ های شماره ۲۹۶۴۹۰۰۰۳ و ۲۹۶۴۹۰۰۰۴)



شست وزیري
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

..... پیوست
..... تاریخ

..... اداره
..... دایره
..... شماره

صفحه ۲

خارك را بنمايد وگمرک وساير ادارات بندر ريك را تيول خود نموده و از هرگونه سوء استفاده و اعمال نفوذ فروگذار نيست و بهرسته از حمايت عده * از متنفذين در مرکز برخوردار ميباشد . براي اينجانب روشن نيست چرا اينقدر با اين مرد و امثال وي که آينده آنها نموداري از اعمال و افکار گذشته و نياتشان ميباشد تماشا ميگردد و همين گذشت ها علاوه بر اينکه آنها را جري و بي بند و بار مينمايد بالطبع باعث بد بيني و سلب اعتماد ديگران نسبت به ما مورين و متصديان امور ميگردد .

نام دائن	مبلغ دين	پرداختي	تخفيفي کد و تعداد
فتح اله حيات داودي	۱۹۴۸۳۴۴۴/۱۵	۱۲۰۰۶۳۷۵/۱۰	۳۲۵۲۵۰/۳۰ - ۷۴۷۷۹/۰۵
رئيس علي تنگستاني	۷۲۱۲۶۹۷/۲۰	۵۶۶۸۵۰۲/۴۰	۱۱۴۸۷/۷۰ - ۱۵۴۴۱۹۵
ملك منصوروارد شيرشبانکاره	۱۰۳۶۴۴۰۵/۶۵	۱۷۰۰۰۰۰	۲۹۷۲۲۳/۷۰ - ۸۶۶۴۴۰۵/۶۵
رئيس غلامرزي	۷۰۷۹۲۳/۱۵	-	-
غلامحسين تنگستاني	۶۶۸۲۹۵	-	-
محمد علي وطني رزي شاكن دشتي	۱۰۵۶۶۷۰/۷۵	۷۶۰۸۸/۱۵	۱۳۴۴۰۰ - ۹۸۰۵۸۲/۶۰
شيخ سليمان نصوري بخشد ارگناوه	۳۵۶۰۹۸۴/۴۰	-	-

آقايمان فتح اله حيات داودي و شيخ سليمان نصوري بابت بدهي خود بدولت سند رسمي داده معيذ الله از پرداخت تنه بدهي خود داري ميمائيند - س -

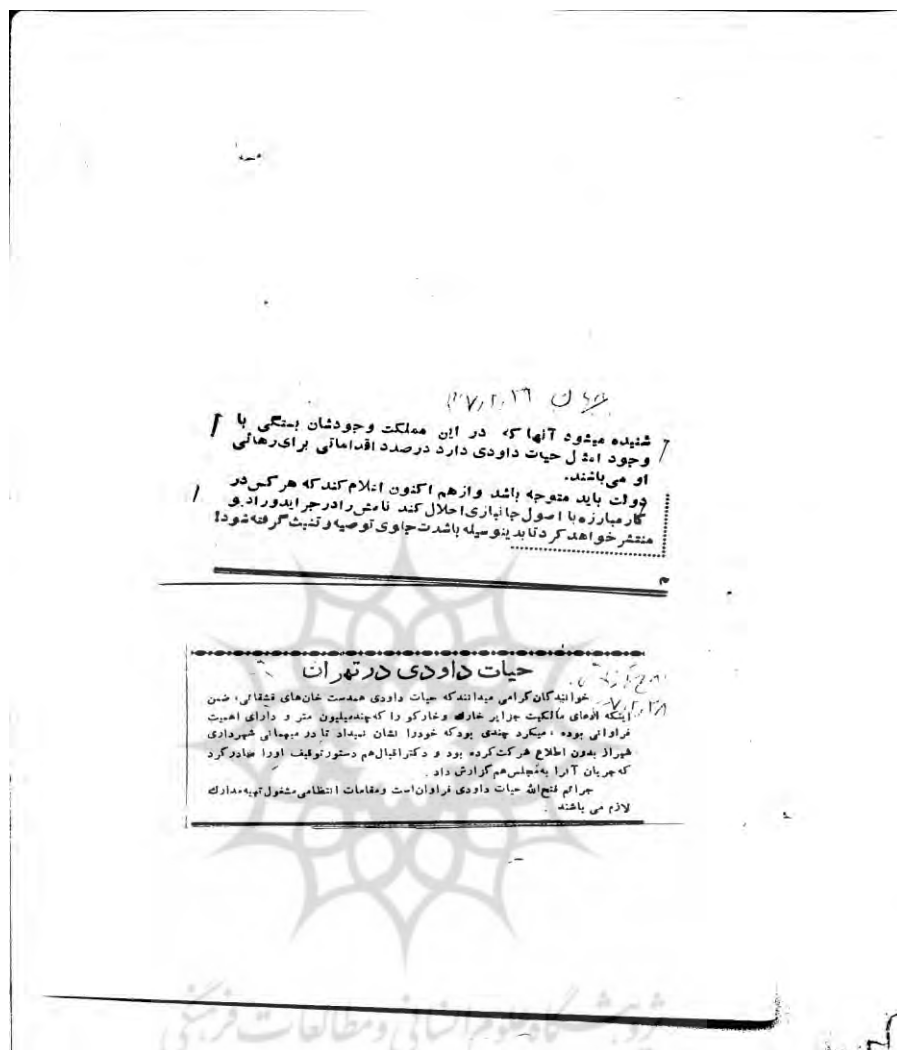
رئيس سازمان اطلاعات و امنيت بنادر - سرهنگ هاشمي

سازمان اطلاعات و امنيت بنادر

۱۰/۶/۷۹

سند شماره ۲:

ادامه سند شماره يك

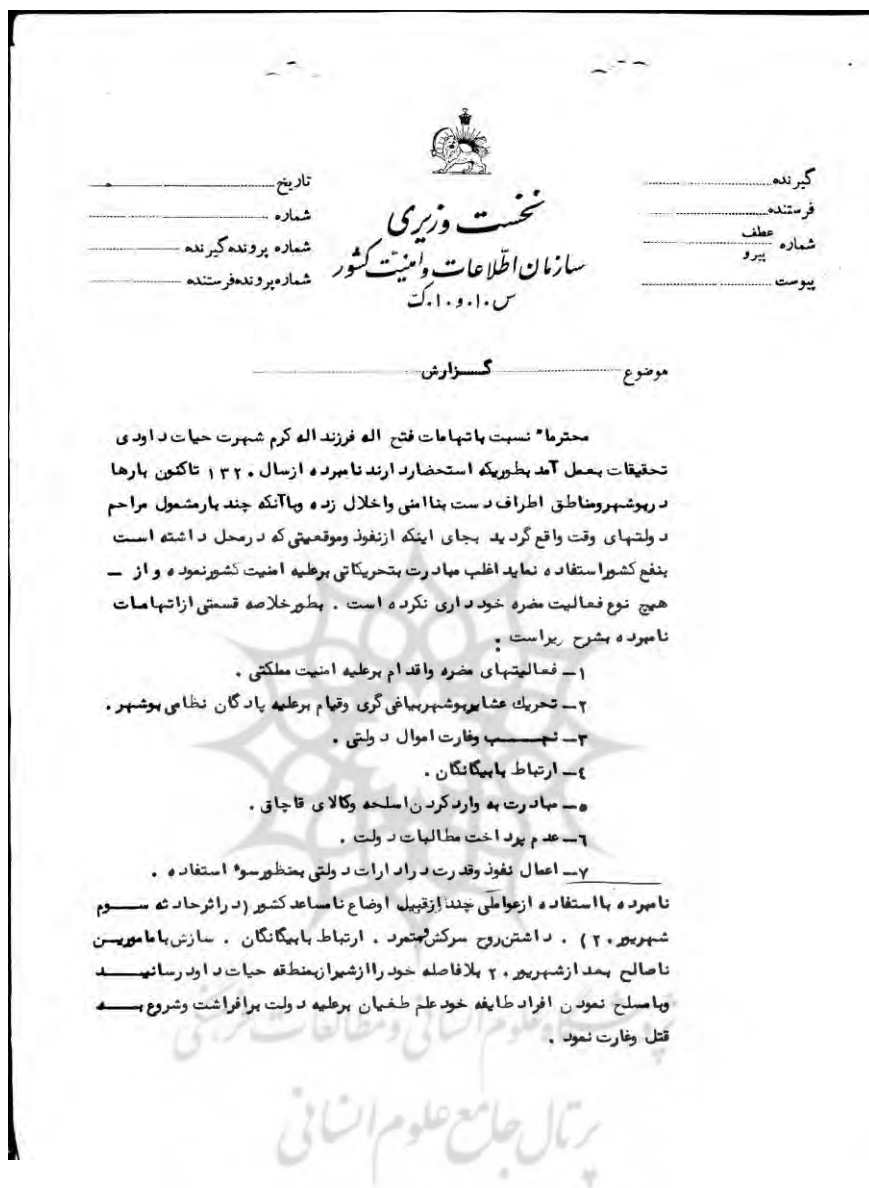


۲۷/۲/۳۷
شنبه میشود آنها که در این مملکت وجودشان بستگی با وجود مثل حیات داودی دارد درصدد اقداماتی برای رهایی او می‌باشند.
 دولت باید متوجه باشد و از هم اکنون اعلام کند که هر کس در کار مبارزه با اصول جانپازی احلال کند نامش را در جراید و روزنامه منتشر خواهد کرد تا بدین وسیله باشدت جوی توصیه و تنبیه گرفته شود

حیات داودی در تهران
خوانندگان گرامی میدانند که حیات داودی همدمت خان‌های تفتان، شن اینک آزادی مالکیت چراغ بر خارک و غارکو را که چندین بیون متر و دارای اهمیت فراوانی بوده، میگرد چندی بود که خود را نشان نینداد تا در میهمانی شهرداری هیراز بدون اطلاع حرکت کرده بود و دکتر اقبال هم دستور توقیف او را صادر کرد که جریان آنرا به مجلس هم گزارش داد. چراغ فتح‌الله حیات داودی فراوان است و مقامات انتظامی مشغول تهیه مدارک لازم می‌باشند.

پرتال بین‌رستم‌شناسی و مطالعات فرسنگی
سند شماره ۳:

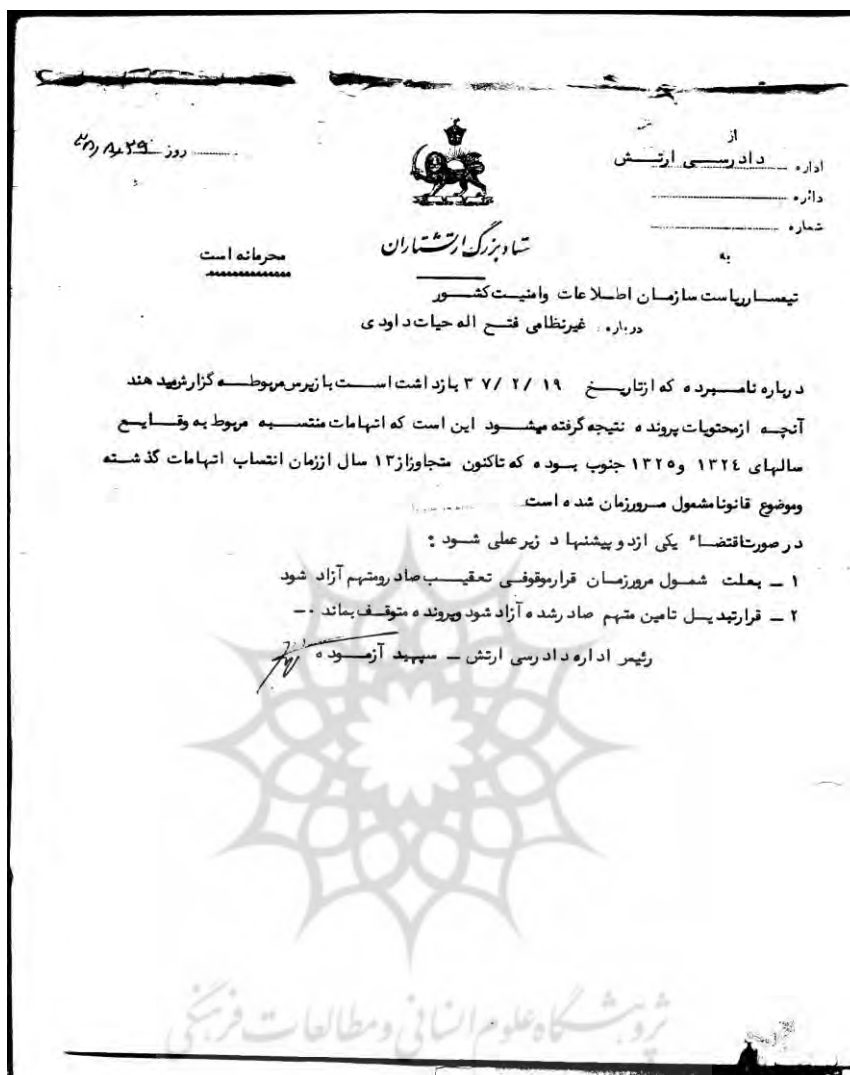
انعکاس خبر دستگیری فتح‌اله خان حیات‌داودی توسط روزنامه جهان مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۷ (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده انفرادی فتح‌اله خان حیات‌داودی، جلد اول، برگ شماره ۱۶۰-۲۹۶۴۹)



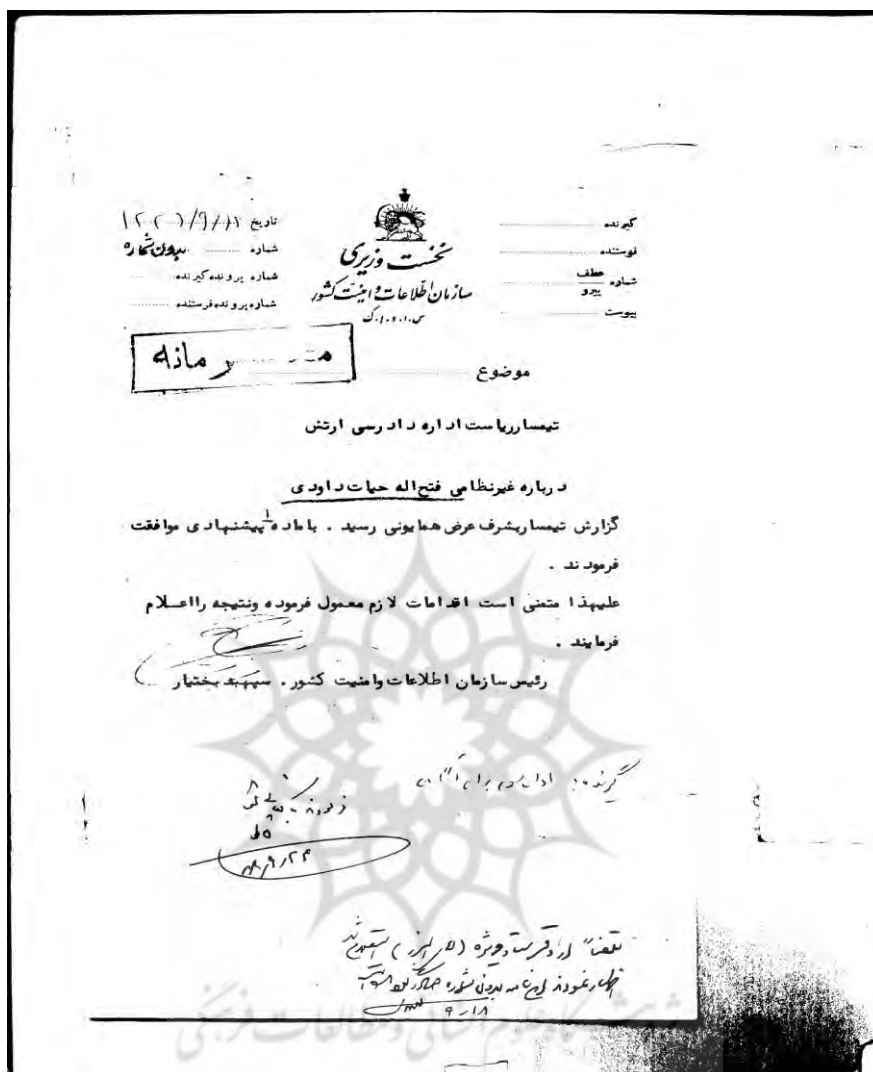
سند شماره ۴:

رئوس اتهامات فتح‌اله خان حیات‌داودی که توسط ساواک و پس از دستگیری به وی تفهیم می‌گردد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده انفرادی فتح‌اله خان حیات‌داودی،

جلد اول، برگ شماره ۲۰۶-۲۹۶۴۹۰)



نامه رئیس دادرسی ارتش خطاب به رئیس ساواک و پیشنهاد بستن پرونده اتهامی فتح‌اله خان
حیات داودی (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده انفرادی فتح‌اله خان
حیات داودی، جلد اول، برگ شماره ۲۶۱/۹۶۴۹۰)



سند شماره ۶:

موافقت محمدرضا شاه با توقف روند پرونده قضایی فتح‌اله خان حیات‌داودی و آزادی وی به دلیل مشمول مرور زمان شدن اتهامات (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده انفرادی فتح‌اله خان حیات‌داودی، جلد اول، برگ شماره ۲۶۱/۴۹۰۲۹۶)